



۲۰۲۰/۰۲/۱۸



ولی احمد نوری

جدا نوشتن (به) در نوشته های تان «ا» اهمیت جدا نوشتن و یکجا نوشتن



تذکر:

رنگ سبز درست است و رنگ سرخ اشتباه و غلط املائی

این کمترین نه داکتر و نه استاد ادبیات زبان دری هستم و نه الحمد لله اکادمیسین اکادمی روسی، ولی با تمام بی بضاعتی و فقدان علمی، سعی کرده ام از محضر استادان زبان و ادبیات چیزی بیاموزم. در جوانی و شاگردی در لیسۀ استقلال کابل از محترم استاد نگهت و در غربت از استاد بزرگوار و دانشمند فرهیخته جناب خلیل الله معروفی که در زبان های دری و عربی تبحر کم مانند دارند، زیاد آموخته ام.

زنده یاد مرحوم استاد پوهاند محمد نسیم "نگهت" استاد ادبیات دری پوهنتون کابل در سال های با زیبایی و با افتخار، به شاگردانش سفارش می کرد که حتی الامکان (به) و (می) را جدا بنویسید و (نه جدا) و (نه یکجا) را احترام کنید تا در زمره با سوادان قرار گیرید. من امروز هفتاد و چند سال بعد به فکر آن افتادم و در باره این گفته های استاد متفکر و به یک سلسله جست و جوها و تحقیق پرداختم تا اگر بتوانم دوستداران قلم را بسیار محترمانه متوجه اهمیت این موضوع ادبی بسازم.

در نوشته امروز از (به) های جدا و (به) های متصل می نویسم:

استاد پوهاند محمد نسیم "نگهت" مزاح کنان می گفت: "مرا از منزل چهارم پائین بیندازید ولی به لحاظ ادب و ادبیات (به) را در جایی که لازم است جدا بنویسید." توجه شما خواننده عزیز و گرانقدر را به مثال های ذیل جلب می کنم، و برای هر کدام مثال هائی عرض می کنم: مثلاً:

۱. [به کار و بکار]:

فرق بین (به کار) و (بکار)

۱- روش جدید در تحقیق دستور زبان دری. تألیف پوهاند استاد محمد نسیم نگهت استاد ادبیات دری پوهنخی ادبیات پوهنتون کابل - چاپ ۱۳۹۴ مطبوعه معارف کابل

این پروگرام را **به کار** اندازه‌ید. (**درست**) این پروگرام را **بکار** اندازه‌ید. (**اشتباه**) زیرا (بکار) حالت امر مصدر کاشتن است. یعنی کشت کن!! در این جا یکجا نوشتنش اشتباه هست.

۲. [به رسم و برسم]:

فرق بین (به رسم) و (برسم)

این کار را **به رسم** احترام انجام می‌دهم. (**درست**) این کار را **برسم** احترام انجام می‌دهم. (**اشتباه**). (برسم) از مصدر رسیدن است.

۳. [به گرد و بگرد]:

فرق بین (به گرد) و (بگرد)

به گرد شمع رویت پروانه می‌گردم. (**درست**) **بگرد** شمع رویت پروانه می‌گردم. (**اشتباه**). زیرا «بگرد» صیغه امر فعل گشتن است.

۴. [به ناز تو و بناز تو]:

فرق بین (به ناز تو) و (بناز تو)

به ناز تو گل ناز می‌کند. (**درست**) **بناز تو** گل ناز می‌کند. (**اشتباه**) زیرا «بناز» صیغه امر فعل "نازیدن" است.

۵. [به دو و بدو]:

فرق بین (به دو) و (بدو)

به دو کتاب ضرورت دارم. (**درست**) **بدو** کتاب ضرورت دارم. (**اشتباه**) زیرا «بدو» صیغه امر فعل "دویدن" است. یعنی تیز بدو!!

۱- «بدو» صیغه امر "دویدن" است، یعنی بدو برو

۲- «بدو» کلمه عربی و "اسم" است که در زبان ما هم آمده و مقبول و معمول شده است و معنی آن (شروع)، (آغاز) و (ابتدا) است. مثلاً می‌گویند: دیوان کلیات استاد خلیل الله خلیلی از بدو امر جایش در صدر دیوان ها و کلیات ها قرار گرفت.

۳- «بدو» در حالت صفت یعنی "دونده"، "تیز دو" و "تیز رو" مثلاً می‌گوئیم اسپ های جنس افغانی تیز دو هستند.

۶. [به خواب رفته و بخواب رفته]:

فرق بین (به خواب رفته) و (بخواب رفته)

ما ملت **به خواب** رفته ایم. (**درست**) ما ملت **بخواب** رفته ایم. (**اشتباه**) زیرا (بخواب) صیغه امر فعل خوابیدن است.

۷. [به نامش و بنامش]:

فرق بین (به نامش) و (بنامش)

هویت ملی افغان را **به نامش** یاد کنید. (**درست**) هویت ملی افغان را **بنامش** یاد کنید. (**اشتباه**) زیرا (بنامش) صیغه امر فعل نامیدن است.

۸. [به شمار و بشمار]:

فرق بین (به شمار) و (بشمار)

استاد خلیلی بزرگ **به شمار** خداوندان شعر و عرفان ثبت تأریخ شده است (**درست**) استاد خلیلی بزرگ **بشمار** خداوندان شعر و عرفان ثبت تأریخ شده است. (**اشتباه**) زیرا (بشمار) صیغه امر فعل شمردن است یعنی حساب کن.

۹. [به جوش و بجوش]:

فرق بین (به جوش) و (بجوش)

از عصبانیت **به جوش** آمدم. (**درست**) از عصبانیت **بجوش** آمدم. (**اشتباه**) «بجوش» صیغه امر مصدر "جوشیدن" است یعنی بجوش!.

۱۰. [به وی و بوی]:

فرق بین (به وی) و (بوی)

گارد جدید آمد و گارد قبلی سلاح خود را **به وی** داد. (**درست**) گارد جدید آمد و گارد قبلی سلاح خود را **بوی** داد. (**اشتباه**) زیرا «بوی داد» خوانده می شود و (بوی داد) معنی دیگر دارد و معنی بد!! یعنی متعفن بود و بوی بد می داد.

۱۱. [به هر و بهر]:

فرق بین (به هر) و (بهر)

خوشه خرمن ما، فیض خدایی دارد ** نه به هر باد، زما قصد جدایی دارد. (درست)
و نه خوشه خرمن ما، فیض خدایی دارد ** نه **بهر** باد، زما قصد جدایی دارد. (**اشتباه**) در این جا (به هر) اگر با (به) چسپیده نوشته شود (بهر) خوانده می شود که معنی آن به کلی با (به هر) متفاوت است. (بهر) در بیت زیر معنی دیگر دارد:

به سراب، هدر اندر بیابان شده اید!

آب نادیده چنین بهر چه عریان شده اید؟

یا

صبح شد چون بارگاه فیض باز مادرم برخاست از بهر نماز

گفتم ای مادر، خطا بود اینکه من می نهادم جام بهر خویشتن

استاد خلیلی افغان

۱۲. [به چه کار و بچه کار]:

فرق بین (به چه کار) و (بچه کار) به اَلیم رسیده جانم، تو بیا که زنده مانم ** پس از آنکه من نمانم **به چه کار** خواهی آمد.

در این بیت از غزل شاعر بزرگوار امیر خسرو دهلوی (**به چه کار** خواهی آمد) (**درست**) نوشته شده ولی اگر آن را (**بچه کار** خواهی آمد) بنویسیم (**اشتباه**) است. زیرا در این حالت [«به» را با «چه» چسپاندن] اشتباه فاحش است یعنی. چون این (بچه) خوانده می شود نه (به چه). و بچه در زبان دری افغانستان یعنی پسر و در فارسی ایران معنی «طفل»

۱۳. [به آن و بآن]:

فرق بین (به آن) و (بآن)

به آن درست است و **بآن** (**اشتباه**) است. مخصوصاً اگر (مد) الف فراموش شود که از قلم اکثر نویسندگان صورت می گیرد به شمول (داکتران و کاندیدان اکادمیسین) و استادان زبان دری (بان) می شود که تلفظ گفتاری از "بمان" میباشند، که صیغه امر مصدر ماندن است.

۱۴. [به نام و بنام]:

فرق بین (به نام) و (بنام)

(**به نام**) خدا سوگند **میخورم** درست است و (**بنام**) خدا سوگند **می خورم** غلط. اول «بنام» صیغه امر فعل نامیدن است دوم اگر میخورم یکجا نوشته شود زیرا «می خورم» را میتوان (می خورم) فهمید (شراب میخورم)

۱۵. [به همین و بهمین]:

فرق بین (به همین) و (بهمین)

...، (**به همین**) خاطر باید مؤرخ در برابر رویدادها و قضایای بی طرف و با وجدان باشد و بدون دلیل و برهان و سند درست و صحیح بر کسی حکم خیانت نکند. (**درست**). ولی (**بهمین**) خاطر باید مؤرخ در برابر رویدادها و قضایای بی طرف و با وجدان باشد و بدون دلیل و برهان و سند درست و صحیح بر کسی حکم خیانت نکند. (**اشتباه**). زیرا وقتی (**به**) را از این نوع (**بهمین**) غلط جدا کنید فقط (**مین**) باقی می ماند نه همین پس یک اشتباه مهم املائی است که از خیرات سر تان همه نویسندگان صاحب نام و قلم به شمول آدم هایی که خود را سرتاج مؤرخین میدانند مرتکب می شوند. به شمول داکتر سید خلیل الله هاشمیان استاد ادب دری و کاندید اکادمیسین؟؟؟ محمد اعظم سیستانی معاون اول [ببرک کارمل] در شورای انقلابی حزب میهن فروش کمونیست افغانستان با لقب [کاندید اکادمیسین روسی] و خود را مؤرخ معرفی کردن.

۱۶. [به کف و بکف]:

فرق بین (به کف) و (بکف)

شعر ذیل را به دقت بخوانید و از زیبایی و توانایی آن حظ ببرید و در آن به غلط بودن [به کف] پی می برید:

چه زیاتر از این نقشی که ببند دیده تاریخ که تو خنجر **بکف** دشمن فتاده زیر پای توست

این شعر را در ... دیدم و تأسف خوردم که یک نویسنده آگاه چگونه می تواند مرد بزرگی مانند استاد استادان حضرت خلیل الله خلیلی افغان سالار شعر و ادب زبان دری را غلط بنویسد. یعنی چنین بنویسد:

که تو خنجر **بکف** دشمن فتاده زیر پای توست

هرگاه **(به کف)** را **[بکف]** بنویسیم **(اشتباه)** است زیرا: **[بکف]** صیغه امر (کفیدن = ترقیدن) است. یعنی بترق. ازین رو باید چنین نوشته شومد:

که تو خنجر **به کف** دشمن فتاده زیر پای توست

۱۸- **[به سر و بسر]:**

فرق بین **(به سر)** و **(بسر)**

«به سر» و «بسر». کاری را که به او سپرده بودم **به سر** و جان قبول کرده به کامیابی **بسر** رساند. می بینید که در این جمله دو مرتبه آهنگ «**بسر**» به گوش می رسد. ولی در نوشتن اگر «**بسر**» دوم را «**به سر**» بنویسیم **(اشتباه)** است و یا «**به سر**» اول را «**بسر**» بنویسیم باز هم **(اشتباه)** است. استاد بزرگ شعر و ادب افغانستان حضرت خلیل الله "خلیلی افغان" می فرماید:

در زیر سایه بان فلک، جای امن نیست تا شب شود به بالاش راحت به سر مرا
چشم چه گفته بود به گوش ستاره، دوش کز چشمکش کنون ندهد درد سر مرا
یاران! مرا برید در آنجا که آفتاب از مهر بوسه ها زده بر چشم و سر مرا

۱۹- **[به دل و بدل]:**

فرق بین **(به دل)** و **(بدل)**

مثال: «به دل» و «بدل». کاری را که به او سپرده بودم **به دل** و جان انجام داد **(درست)** است.

کسی گوید از من به «اشرف غنی» *** که دارم **به دل** يك جهان گفتنی

مثال: در بیت زیبای بالا که از آبشار طبع روان ملک الشعراء محمد نسیم اسیر تراوش نموده، اگر «**به دل**» را «**بدل**» بنویسیم **(اشتباه)** است. زیرا **(بدل)** می تواند **(بدل)** خوانده شود و بدل صفت بوده و به معنی ضد "اصل" است.

مثال: کاش صاحبان وبسایت ها این تحمل را می داشتند و می گذاشتند نویسنده **به دلخواه** خود یک روز نوشته خود را در یک سایت و روز دیگر در سایت دیگری می فرستاد. (**درست**) است. نه **بدل خواه** خود یک روز نوشته خود را در یک وبسایت و روز دیگر در وبسایت دیگری می فرستاد. [**بدل و اصل**]

مثال: کلید موتر را می گیرد و با شوق فراوان پشت جلو می نشیند تا آنرا به خانه ببرد و به باجه و دیگر اهل خانواده نشان دهد که در **بدل** پول مناسب چه موتری را خریداری نموده. اما دفعه‌ای می ببند که این موتر اتومات نیست و خیروی انتیک ما رانندگی موتر غیر اتومات را اصلاً بوی نمی برد.

۲۰ – [به سزا و بسزا]:

فرق بین (به سزا) و (بسزا)

«**بسزا یا بسزایی**» اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان در راه اعمار وطن زحمات **بسزایی** کشیدند که باید منت دارش باشیم و آنانی که مردم را اغفال نموده در راه بهبود آنها مصدر عملی نشدند باید «**به سزا**» رسانیده شوند.

۲۱ – [به یار . بیار]:

فرق بین (به یار) و (بیار)

ای صبا تو رسان پیامی **به یار** من (**درست**) است.

نه ای صبا تو رسان پیامی **بیار** من (**اشتباه**) است زیرا بیار صیغه امر مصدر "آوردن" است. بیارم، بیاری، بیارد، بیاریم، بیارید و بیارند.

۲۲ – [به دو و بدو]:

فرق بین (به دو) و (بدو)

در روشنی آیات متبرکه به وضاحت در می یابیم که حکم محارم در ازدواج **به دو** دسته تقسیم می گردد. (**درست**) است. نه، در روشنی آیات متبرکه به وضاحت در می یابیم که حکم محارم در ازدواج **بدو** دسته تقسیم میگردد، (**اشتباه**) است زیرا (بدو) صیغه امر مصدر "دویدن" است. بدو، بدوی، بدوین، بدویم و بدوند.

۲۳ – [به روز و بروز]:

فرق بین (به روز) و (بروز)

پدر مهربانی که در کابل مصروف کار بود. خانواده اش در یکی از قریه های نزدیک کابل سکونت داشت و فرزندش گاه گاهی به دیدن پدر به کابل می آمد. در دهه دیموکراسی زمان فرخنده سلطنت ۱۹۶۳- ۱۹۷۳ تظاهرات کمونیست ها در کابل باعث پریشانی مردم شده بود. فرید فرزند حاجی قربان به پدر خبر داد که روز جمعه برای سه روز نزدش به کابل می آید. پدر زود برایش خبر داد که روز جمعه تظاهرات و نا آرامی های کمونیست هاست می ترسم کدام

حادثه ناگواری (بروز) کند بهتر است سمرت را (به روز) دیگری بیاندازی. پس در این جمله اگر بنویسد بروز دیگر بیاندازی. (اشتباه) است.

۲۴- [به دین و بدین]:

فرق بین (به دین) و (بدین)

برای ثبوت گفتارم در مورد جدا نویسی (به) مثالی می آورم:

جناب سید هاشم سدید نویسنده توانا در مورد یکی از نوشته های تحلیلی خویش زیر عنوان (دلیل این تغییر چیست؟) به جواب سؤالی که از طرف جناب غلام حضرت طرح شده بود چنین می نویسند:

➤ «... خدا انسان را فقط برای عبادت خود آفریده است! اگر این مطلب واقعاً مربوط به دین باشد، من آن

را عیب دین می دانم، زیرا خدا بری از نیاز است! خدا چه احتیاجی به عبادت شدن به وسیله انسان دارد؟

....» و در جای دیگری از همین نوشته می نویسند:

➤ «۲» "جورج ولز"، نویسنده "تاریخ جهان" نیز، هرچند تمدن مدرن را تهوع آور نمی خواند، اما معتقد بدین نیست که

ما تمدنی داشته باشیم. (وبسایت آریانا افغانستان آنلاین) ستون مقالات ۲۴/۰۲/۲۰۱۷

در جمله ۱ نوشتن (به دین) (درست) است اگر (به) را در اینجا به (دین) بچسبانید یعنی (بدین) بنویسید. (اشتباه)

است. در جمله ۲ نوشتن (بدین) (درست) است زیرا معنی (به این) را دارد نه (به دین) را

۲۵- [به دور و بدور]:

فرق بین (به دور) و (بدور)

برای تشریح بهتر اهمیت جدا نوشتن (به) از (کلمات) از یک شعر آسمانی آسمان شعر و ادب دری، سالار دانش تاریخ و ادبیات استاد بزرگ زنده یاد خلیل الله (خلیلی افغان) استمداد می کنم.

ز تو می پرسم ای افسانه گوی قرنها ای ماه

ز تو می پرسم ای تاریخ از راز دهر آگاه

شما دیدید آیا زیر این سیمابگون خرگاه

چنین هنگامه وحشت به دور سال و سیر ماه

ببینید در بیت آخر اگر ما (به دور از سال و سیر ماه) را چنین بنویسیم (بدور از سال و سیر ماه) (اشتباه)

است. زیرا «(به دور)» و «(بدور)» معانی جداگانه و مختلف دارند

۲۶- [به بار و بیار]:

فرق بین (به بار) و (بیار)

برای مثال یک جمله از یک مقاله "عبدالواحد حیدری" را در این جا می آورم که از کتاب حسن شرق اقتباس نموده است:

محمد داود گفت: مقامات پاکستان به زیر پا کردن حقوق پشتون ها و بلوچ ها می خواهند از ویرانی پاکستان جلوگیری کنند. ولی این روش نتیجه ایرا بیار نخواهد آورد که پاکستان آنرا نمی خواهد.

در اینجا نوشتن (بیار نخواهد آورد) (اشتباه) است. زیرا (بیار) حالت امر مصدر "باریدن" است. باید چنین نوشته می شد: ولی این روش نتیجه ای را **به بار** نخواهد آورد که پاکستان آنرا نمی خواهد.

مثال دیگر:

❖ حافظ شیراز می گوید:

[بیار ای شمع اشک از چشم خونین ** که شد سوز دلت بر خلق روشن]

(بر عکس بالا [بیار] در اینجا درست است.)

❖ مثال چهارم: **بیار** ای اشک سیل آسا که یارم بر نمی گردد.

و این هم مثال های (به بار)

۱ - کلیف بلزینسکی می گوید: امیدوارم مالکیت مایکروسافت خرابی **به بار** نیاورد

۲۷- [به کس و بکس و بُکس]:

فرق بین (بکس) ، (بُکس) و (به کس)

"خوشال زره ور" پسرش زرغون را صدا کرد و گفت: زرغون بچیم برو همان **بکس** سفید کلان

خود را بیاور که به دوستم "ختک صاحب" امانت می دهم زیرا برای یک مسابقه **بکس** کابل می

رود. زرغون فریاد زد که: پدر! من آن **بکس** خود را به کس امانت نمی دهم!!!

۲۸- [به چشم و بچشم]:

فرق بین (به چشم) و (بچشم)

"خوشال" گفت: زرغون بچیم! این یک امر نبود، من از تو یک خواهش کردم. قهر نشو بچیم! زرغون

فوراً جواب داد "پدر جان ببخشین! حالا که به این لطف و مهربانی گپ می زنید و می خواهید مزه

مهربانی تان را "بچشم" هزار بار **به چشم** می روم و آنرا می آورم. متوجه می شویم که فرق (به

چشم) و (بچشم) از زمین تا به ثریاست.

۲۹- [به فروش و بفروش]:

فرق بین (به فروش) و (بفروش)

۳۰- [به گذشته و بگذشته]

فرق بین (به گذشته) و (بگذشته)

به گذشته ها مراجعه کنیم، (درست) است، به شاهنامه فردوسی:

]]و دیگر بار در همین بازار در آیند چنانکه چهار بار از صفا به مروه شوند و سه بار از مروه به صفا، چنانکه هفت بار از آن بازار **بگذشته** باشند. (درست) است باشند.]]

بگذشته ها مراجعه کنیم (اشتباه) است، به شاهنامه فردوسی:]]]و دیگر بار در همین بازار در آیند چنانکه چهار بار از صفا به مروه شوند و سه بار از مروه به صفا، چنانکه هفت بار از آن بازار **به گذشته** باشند. (اشتباه) است]]

۳۱- [به وی و بوی] - [به دل و بدل]

فرق بین (به وی و بوی) و (به دل و بدل)

کلید موتر را می گیرد و با شوق فراوان پشت جلو می نشیند تا آنرا به خانه ببرد و به باجه و دیگر اهل خانواده نشان دهد که در **بدل** پول مناسب (درست) است، چه موتری را **به دل** خود خریداری نموده. (درست) است. اما دفعتاً می بیند که این موتر اتومات نیست و خیروی انتیک ما، رانندگی موتر غیر اتومات را اصلاً **بوی** نمی برد و اگر هم این موتر را **به وی** بدهد نخواهد پذیرفت.

کلید موتر را می گیرد و با شوق فراوان پشت جلو می نشیند تا آنرا به خانه ببرد و به باجه و دیگر اهل خانواده نشان دهد که در **بدل** پول مناسب (درست) است، چه موتری را (**بدل**) خود خریداری نموده. (اشتباه) است. اما دفعتاً می بیند که این موتر اتومات نیست و خیروی انتیک ما، رانندگی موتر غیر اتومات را اصلاً **بوی** نمی برد و اگر هم این موتر را (**بوی**) بدهد نخواهد پذیرفت. (اشتباه) است

۳۲- [به خارش و بخارش]

فرق بین (به خارش) و (بخارش)

چنانچه "جیمز وات" در سال (هفده صد و هفتاد و پنج) بعد از آنکه حق اختراع ماشین **بخارش** (درست) است و یا به قول خود او «موتور آتش» را تجدید کرد، به پدرش چنین نوشت: این گفته که گویند این ماشین جان اطرافیانش را **به خارش** (درست) است، می آورد، دروغ و بهتان است.

اگر بنویسیم که [این گفته که گویند این ماشین جان اطرافیانش را **بخارش** می آورد. (اشتباه) است، دروغ و بهتان است. نه تنها دروغ است بلکه اگر (به) را به (خارش) وصل بنویسیم هم (اشتباه) است.

۳۳- [به دوش - بدوش و به دوش]

فرق بین «به دوش» ، «بدوش» و «بدوش»

مثال :

- ۱- مسؤولیت این تصادم بدوش راننده موتر است (اشتباه) است چون [بدوش] صیغه امر مصدر (دوشیدن) است. یعنی [گاو را بدوش و شیرش را به زن همسایه بده که طفل شیر خوار دارد و خودش کم شیر است. (مسؤولیت این تصادم. بدوش راننده موتر است) باید چنین نوشته شود: مسؤولیت این تصادم به دوش راننده موتر است (درست) است. یا بنویسم که فوتبالیست افغان توپ را به گول تیم فوتبال پاکستانی زد و به دوش ادامه داد. (درست) است. اگر بنویسیم که **بدوش** ادامه داد (اشتباه) است

۳۴- [به بر - بپر ، بپر و ببر]

فرق بین «به بر» ، «بپر» و «ببر» و «ببر»

- ۱- (به بر) را در شعر ملی، میهنی و وطنپرستانه استاد بزرگوار جناب احمد علی کهزاد، شاعر، نویسنده و مؤرخ راستکار و شهیر افغانستان که برای بیرق با شکوه افغانستان سروده اند، با هم می خوانیم: مثنوی است این سروده آسمانی را به فشار بر لینگ ذیل در وبسایت عزیز (آریانا افغانستان آنلاین) بخوانید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Kohzad_ahmad_ali_afghanistan.pdf

تا پرچم فتح و ظفر
درد عقابی جلوه گر
محراب و منبر را به بر
در مطلع مشرق عیان
پاینده نامت افغانستان

- اگر (به) را به (بر) در بند سوم: [محراب و منبر را به بر] بچسبانیم، اشتباه نه بلکه گناه است، زیرا (ببر) صیغه امر فعل (بردن) است یعنی این دسته گل را به دوستم ببر!!
- ۲- دامن این بحث بی نتیجه زل بیبر
- ۳- من از ببر نسبت به شیر زیادتر ترس دارم

۳۵- [به شر و بشر]

فرق بین «به شر» و «بشر»

برای مثال یک مصراع از یک شعر جناب ملک الشعراء محمد نسیم اسیر را انتخاب می کنم:

اگر حقانی، یا که طالبانند
عنان در دست پاکستان سپرده
نمایند ادعای راستکاری
به راه خیر رفتن، لنگ و کورند
به حکمتیار، هرسه هم عنانند
در آنجا جمله سر بر آستانند
ولیکن کج نهاد و کجروانند
به شر، غرق وز خیر اصلاً ندانند

اگر در بند دوم «به» را با «شر» یکجا بنویسیم [بشر] می شود یعنی انسان که (اشتباه) است و یابد «به» جدا نوشته شود.

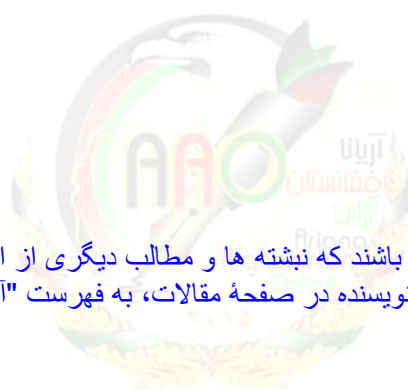
۳۶ - [به چاپ و بچاپ]

فرق بین «به چاپ» و «بچاپ»

برای مثال یک جمله از یکی نوشته ایرا انتخاب می کنم که در وبسایت (آریانا افغانستان آنلاین) به چاپ رسیده است:

۳۷ - [به روز و بروز] به روز یازدهم سپتامبر آغاز لشکرکشی امریکا به افغانستان بود که سبب بروز حوادث زیاد گردید، از جمله، جمهوری اسلامی ایران را وادار به همکاری عملی با قوای امریکا و انگلیس در از بین بردن طالبان و القاعده ساخت.

پایان



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

جدا نوشتن (به) در نوشته های تان

walinouri_djodaa_neweshtan_ba.pdf